

بررسی تأثیرات اجتماعی اجرای توافق‌نامه پاریس ۲۰۱۵ در ایران

مهدی اکبری گلزار^{*۱}

*۱ - دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

تاریخ دریافت: اسفند ۱۳۹۷ تاریخ پذیرش: خرداد ۱۳۹۸

چکیده

در اواسط قرن بیستم بود که انسان متوجه این امر گردید که اگر به بهره‌برداری از طبیعت در جهت دستیابی به اهداف توسعه‌ای خود ادامه دهد دیگر هیچ‌چیز از منابع طبیعی برای ادامه زیست خود باقی نخواهد گذاشت. به همین منظور به فکر چاره‌ای برای بالا بردن بهره‌وری از منابع طبیعی و حفاظت از آن در عین ادامه به مسیر توسعه خود افتاد. ایده‌ای که یکی از مهم‌ترین جنبه‌های مفهوم توسعه پایدار گردید. کنفرانس‌های متعددی در جهت محافظت از محیط‌زیست با توجه به روند توسعه کشورها برگزار گردید که آخرین آن‌ها کنفرانس پاریس ۲۰۱۵ با حضور ۱۹۸ کشور و صدور توافق‌نامه پاریس بود. اجرای این توافق‌نامه تأثیرات چندجانبه بسیاری برای کشورهای متعهد خواهد داشت. در این پژوهش تأثیرات اجتماعی اجرای توافق‌نامه پاریس که ایران نیز متعهد به انجام آن شده است، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. روش مورد استفاده تحلیل محتوای کیفی می‌باشد که با تحلیل متن توافق‌نامه صورت می‌گیرد. نتایج گویای این است که ایران برای اجرای این توافق و عدم تجاوز از درصد انتشار گازهای گلخانه‌ای تعهد داده شده، نباید نرخ توسعه سالانه‌اش از ۲ درصد تجاوز کند. این نرخ پایین عملاً کشور ما را از رسیدن به کشورهای پیشرفته جهان عقب می‌اندازد. هم‌چنین در زمینه اجتماعی باعث ایجاد عقب‌ماندگی و فشار بر طبقه پایین جامعه با شدت گرفتن بحران مشروعیت برای دولت می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: توسعه پایدار، توافق‌نامه پاریس، تأثیرات اجتماعی

مقدمه

رشد و توسعه‌ی جوامع جهانی با ورود به دوران مدرن، اگرچه پیشرفت‌های شگرفی را در عرصه‌های مختلف به همراه داشت و نوع بشر را به آرامش و رفاه نسبی نزدیک نمود، اما این دستاوردهای بشریت بدون هزینه نیز نبود. با ورود به دنیای مدرن و غلبه انسان بر طبیعت که تا پیش از این اسیر بلایای گاه و بی‌گاه آن بود، طبیعت باید به آن شکلی درمی‌آمد که دلخواه انسان است. این مسأله جهان را به ناگاه در یک دوره‌ی کوتاه با رشد فزاینده‌ی تخریب محیط‌زیست روبرو نمود. کشف و استخراج‌های معدن‌های متعدد، احداث راه‌های زمینی و دریایی و هوایی، تأسیس کارخانه‌های متنوع و... همگی امروزه به چنان بحران زیست‌محیطی تبدیل گشته است که گویی انسان را به یک‌باره از خواب غفلت بلندمدت خود بیدار نموده است.

آمار رشد جمعیت، همزمان با رشد علوم پزشکی و توسعه بهداشت و پیشرفت تکنولوژی، در دو‌یست سال گذشته حیرت‌انگیز است. در حالی که تا سال ۱۶۵۰ میلادی جمعیت جهان نزدیک به ۶۰۰ میلیون نفر بوده، از سال ۱۶۵۰ تا ۱۸۵۰ جمعیت جهان به یک‌باره دو برابر، یعنی یک میلیارد و سیصد میلیون نفر و تا سال ۱۹۵۰ به دو میلیارد و نیم و ناگهان تا سال ۲۰۱۸ به مرز هشت میلیارد نفر رسیده است.

این رشد فزاینده‌ی جمعیت بشر با رشد نیازهای او و دخل و تصرف بی‌رحمانه او در طبیعت، تبدیل به چنان بحران‌های زیست‌محیطی‌ای گردیده که حتی زیست در کره زمین را برای خود انسان نیز غیرقابل تحمل نموده است. انقراض گونه‌های گیاهی و جانوری، آلوده شدن رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و اقیانوس‌ها و کاهش آب‌های زیرزمینی و کمیابی آب آشامیدنی و هزاران آسیب و بحران به وجود آمده دیگر همگی از مسائلی است که رویاهای توسعه‌ای انسان بر دامن طبیعت گسترانده است.

تفکر توسعه مبنای حرکت دنیای مدرن است. یکی از مشخصه‌های مهم دنیای مدرن غلبه انسان بر طبیعت است، انسانی که تا پیش از این همواره اسیر نیروهای قدرتمند طبیعی بوده است و بقای خود را در بقای طبیعت می‌دید،

حال جسارت این را پیدا کرده که در طبیعت تصرف کند و آن را همان‌طور که خود می‌خواهد تغییر بدهد (کانت، ۱۳۹۰). کانت در مقاله «روشنگری چیست؟» تفاوت دنیای مدرن با دنیای پیش از مدرن را دقیقاً همین جسارت و خلاقیت انسانی در طبیعت می‌داند. انسان زمانی می‌تواند در طبیعت دخل و تصرف بکند که خود را در مقام یک سوژه‌ی شناسا، در مقابل یک ابژه شناسنده یعنی طبیعت ببیند. این همان فلسفه سوژکتیو است که انسان‌محور تمام تحولات قرار می‌گیرد و دنیا از منظر انسان با عقل خودبنیادش مورد بررسی قرار می‌گیرد (کاپلستون، ۱۳۹۳).

در این صورت اساساً انسان هیچ ابایی برای تخریب محیط‌زیست و دست‌اندازی به آن جهت ارضای امیال خویش ندارد و روز به روز بیشتر منابع طبیعی را دستخوش زیادی طلبی‌های سیری‌ناپذیر خود قرار می‌دهد. این روند تا نیمه‌ی دوم قرن بیستم باید ادامه می‌یافت تا به یک‌باره انسان متوجه بشود که با این روند دیگر زمینی برای زندگی باقی نمی‌ماند. از دهه ۱۹۵۰ به بعد بود که مقدمات مباحث مربوط به توسعه پایدار مطرح گردید.

برمن و مک‌گیل توسعه پایدار را توسعه‌ای تعریف می‌نمایند که نیازهای امروز بشر را بدون ضرر رساندن به نیازهای نسل آینده برآورده سازد. براین اساس، مصرف منابع طبیعی و زیست‌محیطی فعلی، نباید سبب کاهش امکان مصرف این منابع توسط نسل‌های آینده شود (برمن و مک‌گیل، ۱۳۸۲). با این ایده بشر به این فکر افتاد که چگونه مسیر توسعه را بدون تخریب محیط‌زیست و با بیشترین بهره‌وری پی بگیرد. ذیل توسعه پایدار مباحث متأخر دیگر مانند توسعه انسانی، توسعه اجتماعی، توسعه عدالت محور و... نیز مطرح گردید. تمامی تلاش این جریان، در نظر گرفتن تمام ابعاد انسانی است که توسعه قرن نوزدهمی از آن غافل گردیده بود و مهم‌ترین مؤلفه آن، مؤلفه‌ی زیست‌محیطی قلمداد می‌گردد.

اولین کنفرانس بین‌المللی محیط‌زیستی در سال ۱۹۴۸ برگزار شد. هدف اصلی این کنفرانس تشکیل یک اتحادیه جهانی به‌عنوان یک اهرم مؤثر برای طرح مسائل

سه سال پس از تشکیل اجلاس ریو که توجه جهانیان را به مشکلات رو به رشد محیط زیست و توسعه معطوف نمود، در سال ۱۹۹۵ همایش آب و هوا، برای تصمیم گیری در خصوص کاهش گازهای گلخانه‌ای در برلین برگزار شد و متعاقب آن در سال ۱۹۹۷ همایش آب و هوایی برای بررسی راه‌های جلوگیری از گرم شدن زمین و تغییرات آب و هوا در کیوتو ژاپن برگزار شد. در این همایش نیز کشورهای صنعتی متعهد شدند که مقدار پخش گازهای دی‌اکسید کربن و گازهای گلخانه‌ای دیگر خود را تا سال ۲۰۱۲ به مقدار ۵ درصد کاهش دهند که متأسفانه با توجه به ابهامات مختلف این دستورالعمل راه گریز از تعهدات برای این کشورها باز گذاشته شد (دبیر سیاقی، ۱۳۸۳).

کنفرانس بعدی کنفرانس ژوهانسبورگ در سال ۲۰۰۲ بود. سران ۱۹۱ کشور علاوه بر تأکید بر مصوبات اجلاس ریو، راستای بهبود زندگی مردم فقیر و جلوگیری از تخریب محیط زیست جهان تصمیمات جدید اتخاذ گردید (رحیمی، ۱۳۸۸).

اما آخرین کنفرانس بین‌المللی در این زمینه کنفرانس پاریس ۲۰۱۵ بود که با تأکید بر معضل گرمایش زمین و با حضور ۱۹۸ کشور برگزار شد. نتیجه این کنفرانس انتشار معاهده‌ی آب و هوایی بود که از مهم‌ترین بندهای آن می‌توان به تلاش کشورها در جهت کاهش گرمایش زمین از ۲/۸ درصد در سال به ۱/۵ درصد در سال است. تفاوت این معاهده با معاهده‌های قبلی این است که در مرحله اول اهرم‌های اجبار سختی بر اجرای آن قرار گرفته است و در مرحله دوم تأکید بسیار زیادی بر روی کشورهای در حال توسعه دارد.

از همان ابتدای به امضا رسیدن معاهده پاریس، کارشناسان تأثیرات این توافق‌نامه را به بحث گذاشتند و سیل نظرات گوناگون در این باره ثبت گردید. اما تأثیرات اجتماعی این توافق‌نامه بر روی نظام جهانی و کشورهای مجری آن قابل چشم‌پوشی نیست. بدون شک توافق‌نامه پاریس تأثیرات اجتماعی کلانی را در پی خواهد داشت. ما در این پژوهش سعی داریم تأثیرات اجتماعی این توافق‌نامه را مورد بررسی قرار دهیم. مهم‌ترین مسأله این پژوهش این است که این

زیست‌محیطی بین‌المللی و جلب توجه افکار عمومی و تأثیرگذاری بر دولت‌ها در جهت سیاست‌گذاری آن‌ها در این زمینه بود.

در خلال دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی با ادامه روند مخرب توسعه و بی‌اعتنایی کشورها به مسائل پیش آمده در مسیر رشد و توسعه خود با اهداف اقتصادی، جامعه جهانی به تکاپوی بیشتری برای چاره‌اندیشی برای حل این مسائل افتاد. گویا تناقض پیش آمده به راهکارهای بسیار جدی‌تری نیازمند بود.

به همین منظور کنفرانس‌های متعدد دیگری برگزار گردید. کنوانسیون بروکسل در سال ۱۹۶۹ با موضوع تلفات ناشی از آلودگی نفتی، کنفرانس رامسر در سال ۱۹۷۱ با موضوع حفاظت از تالاب‌ها و کنفرانس جهانی استکهلم در سال ۱۹۷۲ تشکیل گردید. برای اولین بار معضل گرمایش زمین و خطرات ناشی از آن که زمین را تهدید می‌کند در کنفرانس استکهلم مطرح گردید. اما متأسفانه با وجود این تلاش‌ها باز هم وضعیت محیط زیست در سطح بین‌الملل تغییر چندانی نکرد. در سال ۱۹۸۷ برانت لند رئیس کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه در گزارشی، تأثیرات مخرب توسعه بر محیط زیست را بار دیگر به جوامع گوشزد نمود. وی در این گزارش با ارائه‌ی پیشنهادهای به منظور رفع این معضلات، اعلام کرد ما باید به دنبال توسعه‌ای باشیم که ضمن تأمین نیازهای کنونی جهان، توانایی‌های نسل آتی را برای برآوردن نیازهای خود به مخاطره نیندازد (نصیری، ۱۳۷۹). این گزارش مقدمه برپایی کمیسیون جهانی ریو در سال ۱۹۹۲ با حضور ۱۵۰ کشور جهان در برزیل را فراهم نمود.

از مهم‌ترین دستاوردهای کنفرانس ریو، تشکیل کنوانسیون تغییرات آب و هوا در جهت محدود کردن گازهای گلخانه‌ای و کنترل میزان دی‌اکسید کربن، تلاش جهت به حداقل رساندن آسیب به جنگل‌ها، حمایت از حیات وحش، ارائه‌ی سیاست‌ها و برنامه‌های منظم در جهت ارائه‌ی الگوهای محیط‌زیستی در ارتباط با توسعه اقتصادی در مقیاس بین‌المللی و بالاخره دسترسی به توسعه‌ی پایدار جهانی در قرن ۲۱ بود (آزاد خالصی، ۱۳۸۵).

توافق چه تأثیرات اجتماعی‌ای در روند توسعه کشور ما خواهد گذاشت؟ و اجرای این توافق‌نامه چه تأثیرات اجتماعی در داخل و در سطح بین‌المللی برای کشور ما خواهد داشت؟ و در مجموع این توافق‌نامه چه چشم انداز اجتماعی را در آینده فراهم خواهد نمود؟

ادبیات نظری

با گسترش مدرنیته در طی قرون گذشته و حادث شدن نوع جهان‌بینی و سبک زندگی خاص منبعت از آن، مطالب گوناگونی حول آن شکل گرفته است. مدرنیته در کنه خود مزایا و معایب خاصی دارد که هرکدام مدافعان و منتقدان منصوب به خود را دارد. مدافعان مدرنیته در دفاع از آن به گسترش عقلانیت در زندگی، گسترش علوم بشری، گسترش تکنولوژی و راحتی و آسایش بشر در نسبت به گذشته و در یک کلام پیشرفت را پیش می‌کشند و استدلال‌های نسبتاً محکمی نیز در مقایسه با وضعیت پیش آمده در نتیجه مدرنیته در زندگی بشر با وضعیت پیش از دوران مدرن اقامه می‌نمایند. در مقابل منتقدان مدرنیته نیز استدلال‌های خود را ارائه می‌نمایند. برخی منتقدین مانند نیچه و فوکو همان عقلانیتی که مدافعان از آن نام می‌برند را به زیر سؤال می‌برند و معتقدند این عقلانیت ناشی از یک جنبه زندگی انسان است و مدرنیته جنبه‌های دیگر زندگی انسان را نادیده گرفته است. برخی نیز به مانند کارل مارکس به نظام سرمایه‌داری برآمده از مدرنیته و مناسبات اقتصادی نابرابر آن انتقاد وارد می‌کنند و به دنبال آلترناتیوی برای آن می‌باشند. عده‌ای از منتقدان نیز به جنبه‌های فرهنگی مدرنیته پرداخته‌اند و معتقدند مدرنیته با ابزار فرهنگی به دنبال تثبیت و افزایش قدرت خود می‌باشد. متفکران مکتب فرانکفورت و هم‌چنین مکتب بیرمنگام نیز در این دسته قرار می‌گیرند. برخی نیز که به سنت‌گرایان معروف شده‌اند به دنبال بازگشت به عقب و احیای دوران پیشامدرن یعنی دوران سنت هستند. اما یکی از اساسی‌ترین نقدهای وارده به مدرنیته مربوط به بحران زیست‌محیطی به وجود آمده ناشی از گسترش سبک تفکر مدرن در تقابل با طبیعت است.

هانری لوفور مواجهه انسان با طبیعت را با تبیین روند

تبدیل روستا به شهر بازگو می‌کند. لوفور پیشرفت عقلانیت علمی را به‌عنوان توسعه‌ای روی هم رفته خوشایند و مثبت نمی‌نگرد. لوفور می‌گوید:

غیرممکن است بتوان از این تصور گریخت که طبیعت به واسطه‌ی ضد طبیعت در حال تباہ شدن است. در دوران مدرن، افزون بر خدا، طبیعت نیز در حال مردن است. انسان دارد هردوی این‌ها را از بین می‌برد و شاید گذشته از این‌ها مرتکب خودکشی می‌شود (Lefebver, 1991).

در نتیجه بیگانگی ما از طبیعت از دید لوفور در فهم دوگانه ما از خودمان و رابطه‌مان با محیطی که در آن زندگی می‌کنیم، آشکار می‌شود. جامعه مدرن ورای از نیازها، امیال و توانایی‌مان برای غلبه بر طبیعت و استفاده از آن آفریده می‌شود. لوفور به دنبال بررسی تضادی آشکار در روابط میان طبیعت و فرهنگ است. او دو تضاد در این رابطه ذکر می‌کند. تضاد اول به قدرت دائمی انسان به شکل‌دهی انتزاعی به طبیعت در زندگی روزمره که در هنر، نمادها و تصاویر و فرهنگ‌ها که در درون فضای شهری نمایان می‌شود، مربوط می‌گردد (Lefebver, 1995). تضاد دوم نیز فارغ از جایگاه انسان و پرکتیس‌های او در طبیعت، به زمان‌ها و رویدادهایی مرتبط می‌گردد که بر فرایند مدرنیزاسیون پافشاری می‌کنند. لوفور معتقد است در مدرنیته یکی شدن دوباره با طبیعت به شیوه‌ای متفاوت از آن‌چه در گذشته رخ می‌داد، روی می‌دهد. این یکی شدن دوباره، درون و پیرامون بازسازی ناتمام تصویری سانسور شده، انعطاف‌پذیر و سودمند از طبیعت شکل می‌گیرد (ژلنیتس، ۱۳۹۶).

پیامد این تضادها از نظر لوفور در این است که طبیعتی که در حال نابودی است حالا باید در سطح دیگری بازسازی شود: در سطح «طبیعت ثانوی» یعنی شهر (urban). شهر، ضد طبیعت یا ناطبیعت و با این حال طبیعت ثانوی است که از جهان آینده خبر می‌دهد. طبیعت به منزله تمامی خاص بودگی‌هایی که نسب به یکدیگر بیرونی‌اند و در فضا پخش می‌شوند، از بین می‌روند. طبیعت جای خود را به فضای تولیدشده شهر می‌دهد (Lefebver, 1991). در نتیجه آنچه دید لوفور پرورش می‌یابد، نظم جدیدی از

شکل به وجود آمده است؟ هاروی معتقد است که سرمایه با خصوصی‌سازی طبیعت و هم‌چنین تولید مازادی که در این رابطه به وجود آورده است این مکانیسم را به وجود آورده که بتواند بیشترین بهره را از آن ببرد. با این وجود هاروی یادآور می‌شود که تمام این مسائل منوط به این نمی‌شود که این تضاد روزی به فروپاشی سرمایه منجر نگردد و این مسئله تا ابد گریبان گیر سرمایه‌داری خواهد بود (هاروی، ۱۳۹۴).

یکی دیگر از نظریه‌پردازان این حوزه اولریش بک است. بک استدلال می‌کند جامعه در حال حاضر در عصر ریسک مصنوعی زیست می‌کند که در آن ریسک، دیگر امور جاری کار خدا قلمداد نمی‌شود بلکه مداخلات مبتنی بر علم در جهان طبیعت دارد به صورت تصادفی مشکلات و خطراتی را ایجاد می‌کند. بنابراین علم و سیاست در مدرنیته متأخر سرگرم دست و پنجه نرم کردن با مشکلات ناشی از مداخلات بیش از حد خوش بینانه‌ی پیشین هستند. زنجیره‌ای از راه حل مشکلات و تولید مشکلات جدید شکل گرفته است که به موجب آن مداخلات علمی با هدف غلبه بر مشکلات زیست‌محیطی به ایجاد بحران‌های جدید ختم می‌شوند.

در همین حال، فرم‌های نوینی در سطح اجتماعی در حال گسترش‌اند که در آن مردم در حال از دست دادن باورشان به تمام فرم‌های مرجعیت هستند و ادراک و بینش خود را خودشان می‌سازند. آن‌ها به طور فزاینده‌ای سرنوشت خود را به دست خود رقم می‌زنند و این نه تنها نتیجه‌ی بی‌اعتمادی به تمام اشکال مرجعیت، بلکه یک نوع جدید از فردگرایی در جامعه‌ی مدرن نیز است که در آن مردم بخش عمده‌ای از آینده خود را رقم می‌زنند.

تز «جامعه مخاطره‌آمیز» هم‌چنین با توجه به وضعیت فعلی قشربندی اجتماعی و وضعیت آن در آینده دارای اهمیت است. بک برای مثال عنوان می‌کند که این حد از ریسک ساخت دست انسان در دوران معاصر است. شاید بهترین مثال ابر رادبوکتیوی بود که در اثر حادثه‌ی نیروگاه چرنوبیل به وجود آمد و بخش گسترده‌ای از لندن را تحت تأثیر قرار داد. شاید این نشانه وقایعی بود که در راه‌اند

هستی، واقعیت اجتماعی و فضایی است که به شکل جدانشدنی به رشد، توسعه و تسلط نهایی شهر بر تمام شکل‌های دیگر سازماندهی روابط اجتماعی گره خورده است. در حالی در روستا و دوران پیشامدرن این روابط تحت نظم طبیعت تنظیم می‌گردید و انسان‌ها مجبور به تطابق خود با آن بودند.

لوفور تحلیل خود را با مشخص‌سازی نقش فضاهای تولیدشده شهری در حفظ و رشد نظام سرمایه‌داری با توجه با نظام‌های فرهنگی جدید پی می‌گیرد. اما بحث طبیعت را دیوید هاروی با مطرح نمودن هفده تضاد از سرمایه‌داری دنبال می‌کند. هاروی در کتاب «هفده تضاد و پایان سرمایه‌داری» توسعه نظام سرمایه‌داری توأمان با حفاظت از محیط‌زیست را یکی از ریشه‌ترین تضادهای سرمایه‌داری می‌داند که به هیچ‌عنوان برطرف نخواهد شد. با این حال او معتقد است سرمایه‌داری ید طولایی در مواجهه‌ی موفقیت‌آمیز با مسائل بوم‌شناختی و طبیعی دارد. وقتی به تمامی پیش‌بینی‌های منطقی‌ای که تا پیش از این از سقوط سرمایه‌داری در تضاد با طبیعت می‌نگریم، متوجه می‌شویم که آن پیش‌بینی‌ها امروز تا چه حد ساده لوحانه بوده‌اند و به‌هیچ‌وجه به وقوع نپیوسته‌اند.

هاروی معتقد است سرمایه تضاد خود را با طبیعت حل کرده است و به آن به دید یک منبع بالقوه‌ای که آماده‌ی مصرف است می‌نگرد. سرمایه مسائل زیست‌محیطی را به کسب‌وکار بزرگی تبدیل کرده است و از این راه نیز به انباشت سود می‌پردازد. سرمایه‌داری در تعقیب سود به دنبال آن است که از دیالکتیک تغییر انسان از مجرای تغییر جهان و برعکس بهره‌برداری کند (هاروی، ۱۳۹۴).

هاروی در رابطه ادامه روند بازتولید سرمایه می‌نویسد: سرمایه نوعی سامانه بوم‌شناختی در حال دگرگونی و زنده است. سامانه‌ای که در آن طبیعت و سرمایه به طور دائم تولید و بازتولید می‌شوند. این شیوه‌ی درست اندیشیدن به سرمایه است (هاروی، ۱۳۹۴).

این روند موجب می‌گردد سرمایه در گیرودار فاجعه‌های زیست‌محیطی به حیات خود ادامه دهد. اما سؤال اساسی این است که این وحدت متضاد سرمایه و طبیعت به چه

خطرات زیست‌محیطی جدید که زندگی تمام جمعیت را تهدید می‌کند.

راه حل اولریش یک برای جامعه مخاطره‌آمیز، شهروندی جهان وطنی است. او می‌گوید دولت ملت در مقیاس سیاست ناکارآمد است و در شهروندی جهان وطنی مردم خود را نه تنها اعضای یک ملت خاص می‌دانند، بلکه خود را به‌عنوان اعضای یک جامعه جهانی باز می‌یابند. به فرم جدیدی از آگاهی نیاز است که نه تنها پذیرای بافتی باشد که در آن بحران زیست‌محیطی زاییده می‌شوند بلکه پذیرای بافتی گسترده‌تر باشد که در آن این بحران‌ها تجربه می‌شوند و به آن‌ها واکنش نشان داده می‌شود (بک، ۱۳۸۸). یک دیدگاه دیگر مدرنیزاسیون زیست‌محیطی است که در آن سرمایه‌داری قادر است با ترکیب با دولت و نهادهای جامعه‌ی مدنی، خود را برای مقابله با بحران‌های محیط‌زیست اصلاح کند. علم و تکنولوژی ممکن است مسؤول کشاندن جوامع مدرن به وضعیت نابسامان زیست‌محیطی باشند، اما آن‌ها به همان اندازه قادر به بیرون کشیدن جوامع از این وضعیت و انداختن آن‌ها به ورطه‌ی مدرنیته‌ای سازگار با محیط‌زیست هستند که در آن استانداردهای زیست‌محیطی به تدریج در حال بالا رفتن باشد. به طور مشابه، فرم‌های جدید آگاهی اکولوژیک، جامعه‌ی مدرن را قادر می‌سازند تا خود را به گونه‌ای با محیط‌زیست پایدار وفق دهد. انواع جدیدی از سیاست‌های انعطاف‌پذیرتر نیز، سمن‌ها و دیگر اعضای مدنی را قادر به مشارکت در روند سیاست‌گذاری می‌کنند.

به احتمال زیاد جامعه اکنون در حال ورود به مرحله‌ای از مدرنیزاسیون زیست‌محیطی است، هرچند که وسعت و اثربخشی این فرآیند به طور گسترده‌ای مورد بحث است. اما مشکلاتی در این دیدگاه وجود دارد که در بهترین حالت‌های ممکن هم باز برجای خود باقی می‌ماند.

مواد و روش‌ها

روش ما در این پژوهش، روش تحلیل محتوای کیفی می‌باشد. تحلیل محتوا به منزله تکنیکی علمی عمدتاً در قرن بیستم رایج شد. شاخه‌های گوناگون علوم اجتماعی از

جمله ارتباطات، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و روان‌شناسی آن را در پژوهش‌های خود به کار گرفتند. تحلیل محتوا بیانگر رویکردهای تحلیلی گوناگون، از رویکردهای برداشت‌گرایانه حدسی و تفسیری گرفته تا رویکردهای نظام‌مند و دقیق است.

یکی از تفاوت‌های اساسی میان داده‌های کمی و کیفی در این است که روش کمی، به جست‌وجوی علت‌ها و روش کیفی به دنبال کشف رویدادها و فهم همبستگی‌های تمام عوامل موجود در یک رویداد است (استیک، ۱۳۷۹). با این اوصاف، روش کیفی با مطالعات زمینه‌های فرهنگی سنخیت بیشتری دارد زیرا بنا به طبیعتش با نظام ارزش، ساختار ذهنیت‌ها و باورها سروکار دارد (مارشال و راس‌من، ۱۳۸۱).

یکی از تعاریف اولیه و رایج تحلیل محتوا از برلسون است. به اعتقاد او در تحلیل محتوا ویژگی‌های ظاهری یک پیام را به شکل عینی و نظام‌مند توصیف می‌کنند. این تعریف برلسون تعریفی کاملاً کمی از تحلیل محتوا است. از نظر گروهی از محققان، صرف محتوای ظاهری پیام چندان ارزشمند نیست و یک پژوهشگر باید استنباط و قضاوت خود را نیز به کار ببرد و محتوای پنهان یک پیام را توصیف و تفسیر کند. فلیپ استون تحلیل محتوا را روشی می‌داند که به گونه‌ی عینی و بر اساس قواعد معین، مشخصاتی ویژه یک پیام را کشف می‌کند. این تعریف به تحلیل محتوای کیفی نزدیک تر است (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰).

به طور اساسی تقلیل متن به اعداد در تکنیک کمی، به دلیل از دست دادن اطلاعات ترکیبی و معنا، اغلب مورد انتقاد قرار گرفته است. تحلیل محتوای کیفی در جایی که تحلیل کمی به محدودیت‌هایی می‌رسد، نمود می‌یابد. تحلیل محتوای کیفی نیز یکی از روش‌های تحقیق است که برای تحلیل داده‌های متنی کاربرد فراوانی دارد و به پژوهشگران اجازه می‌دهد که اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه ذهنی ولی با روش علمی تفسیر کنند. عینیت نتایج به وسیله وجود یک فرایند کدبندی نظام‌مند تضمین می‌شود. تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهایی را که آشکار

کمک‌های خارجی ۱۲ درصد انتشار دی‌اکسیدکربن خود را کاهش خواهد داد.

پیش‌ازاین نیز در سال ۱۹۹۷ در کیوتوی ژاپن، توافق مشابهی برای کنترل انتشار گازهای گلخانه‌ای منعقد شده بود که در آن کشورهای توسعه‌یافته، ملزم به کاهش انتشار گاز دی‌اکسید کربن شدند و کشورهای درحال توسعه از جمله چین و هند که در مهر و موم‌های بعدی بزرگ‌ترین انتشاردهنده‌های گاز دی‌اکسید کربن تبدیل شدند، تعهدی به کاهش انتشار نداشتند. با این حال کشورهای توسعه‌یافته هم‌چون آمریکا از پیوستن به آن خودداری کردند و استرالیا نیز پس از پیوستن به توافق‌نامه، از آن خارج شد. این کشورها پیمان کیوتو را مانعی برای توسعه خودآرزیایی می‌کردند.

بر اساس اصل ۷۷ قانون اساسی، پیوستن نهایی ایران به این توافق‌نامه منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی است. کلیات و جزئیات توافق‌نامه پاریس نیز در تاریخ ۱۳۹۵/۰۸/۲۳ به تصویب نمایندگان رسید و این مصوبه برای اعلام نظر به شورای نگهبان قانون اساسی فرستاده شد. شورای نگهبان به دلیل نقص مستندات مورد اشاره در متن توافق‌نامه پاریس، این لایحه را به کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی ارجاع داد.

همان‌طور که در اهداف توافق‌نامه ذکر شده است این معاهده موجب اصلاح الگوی مصرف، کاهش آلودگی هوا، جلوگیری از تغییر اقلیم، انتقال فناوری‌های جدید به کشور و زمینه‌ساز دریافت کمک‌های بین‌المللی خواهد شد. از سوی دیگر نمی‌توان نادیده گرفت که توافق‌نامه پاریس عواقب زیر را نیز در پی خواهد داشت: زمینه‌سازی برای کاهش رشد اقتصادی، الزام در اجرای تعهدات، ایجاد زمینه‌ای برای تحریم علیه ایران، ایجاد بار مالی، وابستگی فناوری و از دست رفتن مزیت نسبی کشور در نفت و گاز. در اسناد و قوانین بالادست کشور «ظرفیت بالای ذخایر نفت و گاز کشور» و «لزوم بهره‌گیری از آن در مسیر پیشرفت»، همواره مورد توجه بوده است که این موارد با توافق‌نامه پاریس مغایر هستند. از جمله دلایل دیگر

یا پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰).

واحد تحلیل ما در این پژوهش متن توافق‌نامه زیست‌محیطی پاریس ۲۰۱۵ است. تحلیل محتوای کیفی به ما کمک می‌نماید تا به معانی پیدا و پنهان متن توافق‌نامه پی ببریم. سپس با تحلیل متن پیش رو به مقوله سازی روی آورده تا از این طریق به بررسی و تحلیل تأثیرات اجتماعی اجرای این برنامه در ایران بپردازیم.

نتایج

طبق توافق‌نامه پاریس کشورهای عضو، ملزم به ارائه برنامه‌ای شامل میزان کاهش انتشار دی‌اکسید کربن خود تحت عنوان برنامه «مشارکت ملی معین (NDC^۱)» هستند (متن توافق‌نامه، ۲۰۱۵: ماده ۴، بند ۲).

روش ارائه این برنامه NDC به دو حالت تقسیم شده است: (۱) کشورهایی که برنامه مشارکت ملی مدنظر INDC^۲ خود برای کاهش انتشار دی‌اکسید کربن را قبل از پیوستن به توافق‌نامه پاریس ارائه کرده‌اند. برای چنین کشورهایی، همین برنامه، اولین سند مشارکت ملی NDC آن‌ها محسوب خواهد شد.

(۲) کشورهایی که هم‌زمان یا بعد از پیوستن به توافق‌نامه اقدام به ارائه برنامه مشارکت ملی NDC می‌کنند.

سند مشارکت ملی مدنظر ایران در تاریخ ۱۳۹۴/۰۸/۲۰ به تصویب هیئت دولت رسید و در تاریخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۰ این سند در دبیرخانه کنوانسیون تغییر اقلیم سازمان ملل ثبت شد. از آن‌جا که ایران قبل از پیوستن به توافق‌نامه پاریس برنامه مشارکت ملی مدنظر خود را ارائه نموده است، این سند به اولین تعهد و برنامه رسمی ایران تبدیل خواهد شد. جمهوری اسلامی ایران نیز در برنامه مشارکت ملی مدنظر (INDC) خود اعلام کرد که با فرض تداوم وضع موجود در انتشار گاز دی‌اکسید کربن (سناریو پایه BAU)^۳ تا سال ۲۰۳۰ کشور به صورت غیرمشروط ۴ درصد و به شرط لغو تحریم‌ها و دریافت

^۱. Business as usual

^۱. Nationally Determined Contribution

^۲. Intended Nationally Determined Contribution

۲۰۱۱ را می‌توان مسبب آن دانست؛ روند انتشار دی‌اکسیدکربن در کشور در این دوره کند بوده است. از این رو فرض ادامه روند فعلی معنی پذیرش رشد پایین اقتصادی است که در عمل به‌نوعی ایجاد محدودیت در مسیر توسعه و رشد اقتصادی تلقی می‌شود. در صورتی که کشور در سال‌های بین ۲۰۲۱ تا ۲۰۳۰ رشد اقتصادی بیشتری نسبت به دوره ده ساله قبل از آن را تجربه کند، میزان بیشتری دی‌اکسید کربن نسبت به روند سال‌های قبل منتشر خواهد شد که این امر به معنی نقض تعهد توافق‌نامه پاریس است. به‌عبارت‌دیگر، در صورتی که رشد اقتصادی ایران طی سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۳۰ از ۲ درصد تجاوز کند، بر اساس پیش‌بینی‌ها میزان دی‌اکسید کربن تولیدی بیشتری نسبت به تعهد خود در توافق‌نامه پاریس خواهد داشت که این امر یا باعث افزایش هزینه برای اجرای تعهدات می‌شود و یا نقض تعهدات و تبعات حقوقی - سیاسی مربوط به آن را به دنبال می‌آورد.

با فرض تداوم وضع موجود، ذخایر نفت و گاز ایران به ترتیب تا ۱۱۰ و ۱۱۷ سال دیگر قابل برداشت هستند، در صورتی که کشور امریکا تنها تا ۱۴ سال دیگر و کل قاره اروپا - بدون احتساب روسیه - تا کمتر از ۱۰ سال دیگر می‌توانند از ذخایر انرژی زیرزمینی خود بهره‌مند شوند که این به معنای مزیت ایران در انرژی نفت و گاز است. با توجه به توافق‌نامه پاریس، ایران باید از حجم انتشار گاز دی‌اکسید کربن بکاهد و میزان مصرف انرژی را در داخل کنترل کند که این امر به معنی افزایش هزینه‌های تولید و یا کاهش کل مصرف نفت و گاز است.

یکی از نقاط ضعف و خطرات بزرگ توافق‌نامه پاریس، سازوکارهای نظارتی است که در آینده تصویب می‌گردد. در ماده ۱۵ متن توافق‌نامه به کمیته‌هایی اشاره شده است که مسئولیت پیگیری اجرای برنامه‌های ارائه‌شده از سوی کشورها را بر عهده دارد؛ اما سازوکار این کمیته در متن توافق‌نامه نامشخص است. در واقع این موضوع به‌طور کاملاً مبهم مطرح‌شده و نامشخص باقی‌مانده است و کشورهای عضو پیمان نمی‌دانند که به‌طور دقیق چه اتفاقی در آینده خواهد افتاد.

می‌توان به افزایش صادرات گاز، برق، پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی، حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز و افزایش ظرفیت تولید سیانت شده نفت و گاز در سیاست‌های کلی نظام اشاره کرد. کاهش انتشار دی‌اکسید کربن به معنای کاهش مصرف نفت و گاز و متعاقباً تقلیل بهره‌مندی از زیرساخت‌هایی مانند نیروگاه، پالایشگاه و دیگر کارخانه‌های صنعتی است؛ به همین دلیل پذیرش توافق‌نامه پاریس می‌تواند مانع تحقق اهداف کلان کشور شود.

طبق ماده اول متن تعهد با اجرای این توافق‌نامه امکان ایجاد محدودیت‌هایی در قالب کاهش استفاده از نفت و گاز در نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها، مجتمع‌های پتروشیمی و هر مصرف‌کننده صنعتی نفت و گاز وجود دارد. علاوه بر این مسیر پیشرو در توافق‌نامه پاریس به سمتی است که در آینده احتمال وضع تدابیری برای کاهش انتشار دی‌اکسیدکربن در قالب اخذ مالیات و دریافت سهمیه‌های انتشار کربن فراهم است که این امر موجب افزایش بهای کالاهای تولیدی این صنایع خواهد شد.

انرژی یکی از اصلی‌ترین نهاده‌های تولید صنایع در تمام دنیا به شمار می‌رود و کشورهای در حال توسعه نیز در مسیر پیشرفت خود نیاز مبرمی به مصرف نفت، گاز و زغال‌سنگ دارند که این امر سبب صعودی در تولید دی‌اکسید کربن را به دنبال دارد. به‌عنوان نمونه رشد اقتصادی کشور چین در سال‌های اخیر و رشد انتشار گاز دی‌اکسید کربن این کشور قابل تشخیص است. به‌علاوه، کشورهای توسعه‌یافته مانند اتحادیه اروپا، آمریکا و روسیه نیز به دلیل تولیدات صنعتی فراوان، جزو بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گاز دی‌اکسیدکربن در جهان به شمار می‌روند. در ایران نیز میزان تولید دی‌اکسید کربن متناظر با توسعه اقتصادی افزایش داشته است.

در فرآیند توسعه اقتصادی کشور که با مصرف بیشتر انرژی از سوی بخش‌های مختلف از جمله صنعت و خدمات همراه است، مقدار انتشار دی‌اکسید کربن کشور نیز افزایش می‌یابد. با توجه به رکود حاکم بر صنعت کشور از سال‌های ۲۰۱۰ تاکنون که تحریم‌های اقتصادی سال

برداشت و تولید نفت ایران موجب کاهش رشد اقتصادی کشور و در نتیجه کاهش درآمدهای ملی خواهد بود. در این شرایط بیشترین کاهش حجم تولید متوجه بخش‌های حمل‌ونقل، استخراج نفت خام، گازهای طبیعی و سایر معادن و بخش کشاورزی هر کدام با ۱۵ درصد است.

پذیرش تعهدات کاهش انتشار، به‌طور طبیعی نیازمند بازنگری در سیاست‌های رشد و توسعه اقتصادی است که می‌تواند به تحمیل هزینه‌هایی بر اقتصاد کشور منجر شود چراکه برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای یا باید بر سطح تولید بخش‌های مختلف اقتصادی محدودیت اعمال شود و یا باید ساختار و فناوری‌های مورد استفاده در صنایع اصلاح و نوسازی شوند. بنابراین کشور برای اجرای تعهدات خود در مرحله اول باید مصرف نفت و گاز را که جزء انرژی‌های فسیلی هستند کاهش دهد و همچنین در صورت اجرای این توافق، درآمدهای نفتی کمتری در اختیار داشته باشد.

در صورت تحقق چنین شرایطی و محدود شدن امکانات اقتصادی دولت در زمینه اجتماعی به بحران مشروعیت دچار می‌گردد. در شرایطی دولت باید منافع طبقه بالا را تأمین نماید، منافع طبقات پایین اجتماعی را نادیده می‌انگارد. در این شرایط دولت از سوی مردم مورد هجو قرار می‌گیرد و حاصل آن بی‌تفاوتی مردم، نارضایتی و همچنین پیشنهاد برای اصلاح و تغییر افزایش می‌یابد. دولت برای جبران وضع پیش‌آمده مجبور به در نظر گرفتن سوبسید و یارانه برای طبقات پایین جامعه می‌گردد؛ در حالی با محدود شدن درآمدها امکان این راه‌حل را نیز پیدا نمی‌نماید و در نتیجه بحران مشروعیت اجتماعی شدت می‌یابد و همچنین طبقات پایین جامعه با مسائل مضاعفی مواجه خواهند شد.

تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به صورت سیستماتیک با هم در ارتباط هستند و اقدام در محدوده هر کدام از این زمینه‌ها می‌تواند نتایج متفاوتی در هر حوزه در پیش داشته باشد. این شرایط در کنار محدود شدن رشد توسعه می‌تواند سرنوشت نامعلومی برای کشور رقم بزند. به همین دلیل

ایران در مشارکت ملی معین (INDC) مدنظر خود، برای رسیدن به اهداف موردنظر به حدود ۱۷/۵ میلیارد دلار و در خصوص کل برنامه‌های کاهش انتشار بالغ بر ۵۲/۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد. در متن توافق‌نامه آمده است که کشورهای توسعه‌یافته موظف هستند که به کشورهای در حال توسعه کمک مالی کنند (متن توافق‌نامه، ۲۰۱۵: ماده ۱، بند ۹). با وجود این تصریح اما برای اجرای این امر هیچ‌گونه سازوکار عملی دقیقی تعریف نشده است و مشخص نیست که هر کشور توسعه‌یافته در چه زمانی و چه میزان و به کدام کشور در حال توسعه کمک مالی خواهد کرد. با توجه به این ابهام، ایران خود موظف به تأمین هزینه‌های هنگفت تحقق اهداف مشخص‌شده در مشارکت ملی معین مدنظر است. این مشکل در مورد انتقال فناوری نیز مطرح است زیرا کشورهای توسعه‌یافته علم و فناوری خود را به راحتی در اختیار کشورهای در حال توسعه نمی‌گذارند.

در ماده ۲۸ چگونگی امکان خروج از این توافق‌نامه بیان شده است. در بند ۱ ماده ۲۸، امکان خروج تا سه سال پس از پذیرش آن از کشورهای عضو سلب شده است. با توجه عدم تعیین دقیق سازوکار تنبیهی در بندهای مرتبط (ماده ۱۵ بند ۳ و ماده ۱۶ بند ۴) این امکان وجود دارد که متقاضیان خروج زود هنگام از معاهده، متحمل خسارات و جریمه‌هایی نامعلوم شوند.

تأثیرات اجتماعی توافق‌نامه پاریس

همان‌طور که مطرح شد، برنامه ایران برای کاهش ۴ درصدی انتشار گازهای گلخانه‌ای، می‌تواند موجب کاهش ارزش تولید به میزان ۲۸۰۰۰ میلیارد ریال شود که این میزان چیزی در حد ۱/۱۲٪ از اقتصاد کشور را شامل می‌شود. این در حالی است که کاهش ۱۲ درصدی انتشار گازهای گلخانه‌ای در کل اقتصاد موجب کاهش ارزش تولید به میزان صد و هشتاد هزار میلیارد ریال خواهد بود که این میزان چیزی در حد ۷/۲٪ درصد از حجم اقتصاد کشور را شامل می‌شود (نظری، ۱۳۹۵). به بیان دیگر، با در نظر گرفتن این موضوع که بخش عمده‌ای از رشد اقتصاد ایران، مبتنی و وابسته به نفت هست، کاهش میزان

محدودیت در زمینه‌های زیست‌محیطی و اقتصادی همان‌طور که تجربه ثابت نموده است به معضلات اجتماعی عمیقی دامن می‌زند که می‌تواند یک جامعه را مورد تهدید قرار دهد.

بحث

طبق گزارش رسمی دبیرخانه تغییرات اقلیم سازمان ملل متحد، سرانه انتشار دی‌اکسید کربن در سال ۲۰۱۲ در ایران، ۶/۶۹ تن است و در رتبه ۴۱ جهان قرار دارد؛ در حالی که سرانه انتشار دی‌اکسید کربن در ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۲ معادل ۱۶/۱۵ تن است و در رتبه ۱۳ جهان قرار دارد.^۱

با این حال آمریکا با گذشت یکسال از امضای توافق نامه پاریس از آن خارج گردید. در کنار آمریکا دیگر کشورهای دارنده منابع نفت و گاز رفتار مشابهی را در پیش گرفته‌اند، به عنوان نمونه روسیه اعلام کرده، در پایه‌های علمی این توافق‌سوالاتی وجود دارد که نیازمند بررسی است، لذا بررسی این توافق را در مجلس دومای خود تا سال ۲۰۱۹ به تأخیر انداخت. عربستان و قطر نیز با وجود پیوستن به توافق پاریس از ارائه هرگونه تعهد قابل ارزیابی خودداری کرده‌اند تا مانعی در مسیر بهره‌مندی از منابع ملی خود نداشته باشند. در این شرایط ایران که در مجموع منابع نفت و گاز، رتبه نخست در دنیا را دارد، تعهداتی سنگینی ارائه داده که اجرای آن ۵۲ میلیارد دلار هزینه در پی دارد. درست است که ائتلاف انرژی در زیرساخت‌های تولید و توزیع انرژی کشورمان بسیار بالاست و ارتقای بهره‌وری در این حوزه می‌تواند کمک شایانی به امنیت و آینده انرژی کشورمان کند؛ اما ذکر این نکته حائز اهمیت است که ما کشوری درحال توسعه و پیشرفت هستیم و هنوز اوج توسعه را رد نکرده‌ایم.

به عبارت دیگر حتی با وجود افزایش بهره‌وری نمی‌توان در شرایط فعلی از صنعت کشورمان انتظار توقف داشت. از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۴ مصرف نفت خام کشور از حدود ۱ میلیون بشکه به بیش از ۲ میلیون بشکه نفت خام رسیده

است و این سیر صعودی تا رسیدن به نقطه اوج توسعه برای کشور ما ادامه خواهد داشت. مطالعات نشان می‌دهد که مصرف نفت خام در کشور ما در ۲۵ سال گذشته سالانه بیش از ۳ درصد رشد داشته است، حال متعهد شدن به چنین توافقی این سؤال را برجسته می‌کند که آیا واقعاً سیستمی سیاستی و اجرایی صنعت در کشور ما این توانایی را دارد که بدون آسیب به مسیر توسعه و صنعتی شدن، انتشار گازهای گلخانه‌ای را از ۴ تا ۱۲ درصد در صورت عدم وجود تحریم‌ها کاهش دهد؟

از طرفی باید تأکید کرد که اگر موفق به افزایش بهره‌وری به‌قدر لازم نشویم، باید کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای را از کاهش فعالیت‌های صنعتی جبران کنیم و این یعنی ترمز رشد توسعه و افزایش بیکاری. در فرآیند توسعه اقتصادی که با مصرف بیشتر انرژی از سوی بخش‌های مختلف از جمله صنعت و خدمات همراه است، مقدار انتشار دی‌اکسید کربن کشور نیز افزایش می‌یابد. با توجه به رکود حاکم بر صنعت کشور از سال‌های ۲۰۱۰ تاکنون که تحریم‌های اقتصادی سال ۲۰۱۱ را می‌توان مسبب آن دانست، روند انتشار دی‌اکسید کربن در کشور در این دوره کند بوده است.

از این رو فرض ادامه روند فعلی به معنی پذیرش رشد پایین اقتصادی است که در عمل به‌نوعی ایجاد محدودیت در مسیر توسعه و رشد اقتصادی تلقی می‌شود. در صورتی که کشور در سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۳۰ رشد اقتصادی بیشتری نسبت به دوره ده‌ساله قبل از آن را تجربه کند، میزان بیشتری دی‌اکسید کربن نسبت به روند سال‌های قبل منتشر خواهد شد که این امر به معنی نقض تعهد توافق‌نامه پاریس است. به عبارت دیگر، در صورتی که رشد اقتصادی ایران طی سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۳۰ از ۲ درصد تجاوز کند، بر اساس پیش‌بینی‌ها، میزان دی‌اکسید کربن تولیدی بیشتری نسبت به تعهد خود در توافق‌نامه پاریس خواهد داشت که این امر یا باعث افزایش هزینه برای اجرای تعهدات می‌شود و یا نقض تعهدات و تبعات حقوقی-سیاسی مربوط به آن را به دنبال می‌آورد. پذیرش

^۱ <http://paris-agreement.ir/2016/04/06>

کلام آخر این که در شرایط کنونی از هر زاویه‌ای به این توافق بنگریم نمی‌توان آن را برای توسعه اقتصادی و صنعتی کشور مفید دانست. برای اجرای این توافق و عدم تجاوز از درصد انتشار تعهد داده شده، باید نرخ توسعه سالانه کشور از ۲ درصد تجاوز نکند. این نرخ پایین عملاً کشور ما را از رسیدن به کشورهای پیشرفته جهان عقب می‌اندازد. هم‌چنین در زمینه اجتماعی باعث ایجاد عقب ماندگی و فشار بر طبقه پایین جامعه با شدت گرفتن بحران مشروعیت برای دولت می‌گردد.

منابع

۱. آزادخالصی، م.، ۱۳۸۵، حق بر محیط زیست و توسعه و ارتباط آن‌ها. پایان نامه رشته حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
۲. ایمان، م.ت. و نوشادی، م.، ۱۳۹۰، تحلیل محتوای کیفی. مجله پژوهش. سال ۳، شماره ۲، صفحات ۱۵ تا ۴۴.
۳. بروجرودی، م.، ۱۳۸۴، روشنفکران ایرانی و غرب. ترجمه: شیرزادی، ج.، انتشارات فروزان روز. تهران.
۴. بک، ا.، ۱۳۸۸، جامعه در مخاطره جهانی. ترجمه مهدی زاده، م.ر.، انتشارات کویر. تهران.
۵. بلیکی، ن.، ۱۳۸۴، طراحی پژوهش‌های اجتماعی. ترجمه: چاوشیان، ح.، انتشارات نی. تهران.
۶. پرمن، ر. و مک‌گیل، ج.، ۱۳۸۲، اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی. ترجمه: ارباب، ح.ر.، نشر نی. تهران.
۷. جعفری، ر.؛ نصر، ا.ر. و میرشاه جعفری، ا.، ۱۳۸۷، تحلیل محتوا روشی پرکاربرد در مطالعات علوم اجتماعی، رفتاری و انسانی، با تأکید بر تحلیل محتوای کتاب‌های درسی. فصلنامه حوزه و دانشگاه. شماره ۵۵، صفحات ۳۳ تا ۵۸.

تعهدات کاهش انتشار، به‌طور طبیعی نیازمند بازنگری در سیاست‌های رشد و توسعه اقتصادی است که می‌تواند به تحمیل هزینه‌هایی بر اقتصاد کشور نیز منجر شود چراکه برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای یا باید بر سطح تولید بخش‌های مختلف اقتصادی محدودیت اعمال شود و یا باید ساختار و فناوری‌های مورداستفاده در صنایع اصلاح و نوسازی شوند. بنابراین کشور برای اجرای تعهدات خود در مرحله اول باید مصرف نفت و گاز را که جزء انرژی‌های فسیلی هستند کاهش دهد و هم‌چنین در صورت اجرای این توافق، درآمدهای نفتی کمتری در اختیار داشته باشد. با محدود شدن درآمدها در نتیجه بحران مشروعیت اجتماعی برای دولت شدت می‌یابد و در این بین طبقات پایین جامعه با فشار اقتصادی و اجتماعی مضاعفی مواجه خواهند شد.

این در حالی است که کشورهای توسعه‌یافته به دوران پساصنعتی گذر کرده‌اند و مسائل ذکر شده هیچ‌کدام گریبان گیر آن‌ها نمی‌شود و گویی توافق نامه پاریس تماماً بر دوش کشورهای درحال توسعه قرار گرفته است. همان‌طور که هاروی متذکر می‌شود، «سرمایه‌داری ید طولایی در مواجهه موفقیت بار با مسائل بوم‌شناختی، جدای از بهره‌مندی از منابع طبیعی، توان جذب آلاینده‌ها یا مقابله با تباهی زیست‌بوم، نابودی تنوع زیستی، کیفیت در حال کاهش هوا، زمین، آب و مانند این‌ها دارد.» (هاروی، ۱۳۹۴) پیشرفت دانش و تکنولوژی امروزه به حدی اعجاب‌انگیز در حال افزایش است که باز هم به قول هاروی پیش‌بینی‌های گذشتگان در خصوص به زانو درآمدن نظام سرمایه‌داری امروز بسیار ساده لوحانه به نظر می‌رسد. او به درستی اشاره می‌نماید که اگرچه این تضاد به هیچ عنوان مرتفع نمی‌گردد اما راه‌های کنار آمدن با طبیعت و سرمایه به اندازه چند برابر انسان‌های بر روی زمین اندیشیده شده‌اند. تا جایی که امروز بشر به سوی کنار گذاشتن ماده‌ای قدم گذاشته است که دگرگون‌کننده‌ترین ماده‌ی کشف شده از سوی او در دو‌یست ساله گذشته بوده است. بزرگ‌ترین منبع انرژی که بشر را تا به اینجا رسانده است یعنی نفت.

۸. دبیرسیاقی، س. م.، ۱۳۸۳، بحران محیط‌زیست. نشر حدیث امروز. تهران.
۹. رحیمی، ع.، ۱۳۸۸، انسان توسعه محیط‌زیست. کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صفحات ۱۱۰ تا ۱۱۸.
۱۰. ژلنیتس، آ.، ۱۳۹۶، فضا و نظریه اجتماعی. ترجمه: ترکمه، آ.، انتشارات علمی و فرهنگی. تهران.
۱۱. کاپلستون، ف.ج.، ۱۳۹۳، تاریخ فلسفه. ترجمه: مجتبی، س.ج.ا.، انتشارات علمی و فرهنگی. تهران.
۱۲. کانت، ا.، ۱۳۹۰، نقد عقل محض. ترجمه: نظری، ب.، انتشارات ققنوس. تهران.
۱۳. مارشال، ک.، راس‌من، گ.، ۱۳۸۱، روش تحقیق کیفی. پارسائیان، ع. و اعرابی، س.م.، دفتر پژوهش‌های فرهنگی. تهران.
۱۴. محمدی‌مهر، غ.ر.، ۱۳۸۷، روش تحلیل محتوا (راهنمای عملی تحقیق). گنجینه علوم انسانی دانش‌نگار. تهران.
۱۵. نظری، م.ر.، ۱۳۹۵، ارزیابی آثار اقتصادی ناشی از تعهدات ایران در توافق‌نامه پاریس. سازمان حفاظت از محیط‌زیست. تهران.
۱۶. هاروی، د.، ۱۳۹۴، هفده تضاد و پایان سرمایه‌داری. ترجمه: اقوامی‌مقدم، ع.، انتشارات اختران. تهران.
۱۷. هولستی، ا.ر.، ۱۳۸۰، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی. ترجمه: سالارزاده، ن.، دانشگاه علامه طباطبایی. تهران.
18. Bourdieu, P., 1997. The Forms of Capital, London: Oxford University press.
19. Harvey, D., 1973. Social Justice and the City, London: Edvard Arnold.
20. Hickey, G. and Kipping, C., 1996. Issues in research. A multi-stage approach to the coding of data form opened questions. Nurse Researcher. Vol 4, pp: 81-91.
21. Lefebver, H., 1991. Critique of Everyday Life, London: Verso.
22. Lefebver, H., 1991. The Production of Space, Oxford: Blackwell.
23. Lefebver, H., 1995. Introduction to Modernity, London: Verso.
24. Nozick, R., 1974. Anarchy, State, and Utopia, New York: Basic books.
25. Van Zoonen, L., 2002. Feminist Media Studies. London: Sage Publication.
26. Waters, M., 1995. Globalization. London: Routledge.

The Social Impact of the Paris 2015 Agreement in Iran

Mehdi Akbari Golzar^{1*}

^{1*} - Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran

Abstract

In the middle of the twentieth century, human realized that if they continued to exploit nature in order to achieve their development goals, they would no longer be left with natural resources to continue their lives. To this end, it was considering ways to increase the productivity and conservation of natural resources while continuing to develop. An idea that became one of the most important aspects of the concept of sustainable development. Several conferences on environmental protection have been held in the country's development process, the last of which was the Paris Conference 2015 with the participation of 198 countries and the issuance of the Paris Agreement. The implementation of this agreement will have many multilateral effects for the committed countries. In this study, the social implications of the implementation of the Paris Agreement, which Iran is committed to doing, will be examined. The method used is the analysis of qualitative content, which is done by analyzing the text of the agreement. The results indicate that Iran to implemenent this agreement and not to exceed its greenhouse gas emissions, its annual development rate should not exceed 2%. This low rate virtually drops our country from reaching the advanced countries of the world. Also in the social context, it creates backwardness and pressure on the lower class of the society with intensify of the crisis of legitimacy for the government.

Key words: Sustainable Development, Paris Agreement, Social Impact